

Proceedings of The International Congress of Siraf Port

November 14-16, 2005

Bushehr-Iran

Congress President : Esmael Tabadar

Congress Secretary : Abdolkarim Mashayekhi



بنیاد ایرانشناسی
شعبه بوشهر



دانشگاه علوم پزشکی
و خدمات بهداشتی درمانی بوشهر

URL: <http://www.sirafcongress.ir>

از سیراف به کیش : تجارت اقیانوس هند و کیش در عصر مغول

یوگائیچی یاسوهیرو
دانشیار دانشگاه ملی کیوشو، ژاپن

۱. از انحطاط سیراف تا رونق کیش

در قرن سوم و چهارم هجری (هشتم و نهم میلادی)، سیراف رونق بسیاری در تجارت اقیانوس هند داشت. بازرگانان سیرافی در بنادر خلیج فارس، دریای سرخ، افریقای شمالی و هند پایگاههای تجاری داشتند و به کمک آنها تجارت می کردند. در منابع چینی از بازرگانان سیرافی با اصطلاح شیلای «Shilavi / Shinavi» و بازرگانی به نام «da-shi fan-ke pu-luo-xin» (ابو رماشت تاجر) یاد شده است. نام وی در اسناد جنازه (geniza) در قاهره و منابع عربی هم یاد شده است. او بزرگترین بازرگان سیرافی در آن زمان بود. از سوی دیگر، از بقایای شهر سیراف قطعات چینی آلاتی که از چین به آنجا آورده شده بودند به مقدار زیاد یافت شده است. به این جهت، آشکار می شود که تجارت سیرافی در چین پایگاه تجاری داشته اند. اما سیراف بعد از زلزله عظیم بتدریج دچار انحطاط شد و دوباره مانند گذشته بازسازی نشد. در باره انحطاط سیراف و مهاجرات سیرافیان، دانشمند ژاپنی استاد یاجیما هیکوئیچی (YAJIMA Hikoichi) چنین نکاشته است^۱:

۱. تغییرات اجتماعی در جهان اسلام در قرن چهارم - پنجم هجری تأثیری زنجیره وار بر توسعه و انحطاط سیراف و مهاجرات سیرافیان داشته است.

^۱ YAJIMA Hikoichi, "The Sirafi Migration in South Arabia," *Journal of Asian and African Studies* 5, 1972.

۲. مهاجر نشینها و مسیر مهاجرت بازرگانان و دریانوردان و ملوانان سیرافی با شبکه تجارتی که سیرافیان از قدیم تشکیل کرده بودند، مطابق شد.
۳. مهاجرات سیرافیان تاثیر بیشتری بر بازرگانان داخلی همچون تاجران شیراز، ری و سمرقند داشته است و به این ترتیب ایشان به تجارت اقیانوس هند رو نهادند.
۴. شهرهایی که سیرافیان در عربستان جنوبی ساخته بودند مانند صحار، میروبان، عدن و غیزه، هنگامی که بعد از قرن ششم مسلمانان به جنوب غربی هند، آفریقای شرقی، و آسیای جنوب شرقی رفتند، پایگاه مهم تجارت شد.

چنانکه استاد یاجیما هیکوئچی نشان داده است، بعد از انحطاط سیراف شبکه تجارتی سیرافیان در اقیانوس هند نابود نشد و به بازرگانان محاجر سیرافی و به ویژه به تجار کیش و عدن به ارث رسید. از جمله جزیره کیش به یاری نیروی نظامی و بازرگانی خود بنادر عمده اقیانوس هند را زیر نظر خود آورد. و خود مرکز تجارت شد. در باره توسعه کیش، «تاریخ و صاف» مطالبی دارد که: اولاد قیصر که ناخدایی سیرافی بود به کیش مهاجرت کردند و بسمت تجارت با اقیانوس هند ثروتمند شدند و بر کیش حکومت یافتند.^۱ در «صفه بلاد الیمن و مکّه و بعض الحجاز» اثر المجاور نیز همین مطلب آمده است.^۱ بدین ترتیب همه منابع با این مطلب که خاندان بنی قیصر در کیش سلطنت داشت، موافقت دارند. استاد یاجیما بر طبق متن ابن المجاور^۲ آشکار کرد که روزگاری اولاد قیصر سیرافی هم در عدن سلطنت یافتند و عدن تحت نظارت کیش بود.^۲ به علاوه، در قرن هفتم، بنی قیصر

^۱ «تاریخ و صاف» ج. ۳، شرح استفتاح جزایر فارس.

^۱ Ibn al-Mujawir, *Sifat Bilad al-Yaman wa Makkah wa ba'dh al-Hijaz (Tarikh al-Mustabsir)*. (ed.) Löfgren, Oscar, Leiden: E.J.Brill, 1954. ss.287-88. (ابن المجاور «صفه بلاد الیمن و مکّه و بعض الحجاز» («تاریخ المستبصر»)).

^۲ ابن المجاور «صفه بلاد الیمن» ألقاب ملوک عدن من العجم.

^۲ YAJIMA "The Sirafi Migration"; cf. Goitein, S.D., "Two Eyewitness Reports on the Expedition of the King of Kish against Aden," *Bulletin of the School of Oriental and African Studies* 16, 1954.

خاندان سلطنتی کیش به هرموز تبعید شدند و سلطنت ملوک هرموز جانشین آنها شد. بنا بر این، می توان نشان داد که کیش، هرموز و عدن که در قرن هفتم-هشتم به سبب تجارت اقیانوس هند رونق داشتند، بر پایه مهاجرت سیرافیان (خاندان بنی قیصر) به وجود آمده بودند. در «تاریخ و صاف» آمده است که امام سعد الدین مرشد که امام کیش بود کتابی درباره تاریخ خاندان سلطنتی قیصر نوشته بود. اما متأسفانه آن کتاب از بین رفته و به دست ما نرسیده است.

از این زاویه، به عنوان یکی از اسباب انحطاط سیراف، تصور می رود که بازرگانان محاجر سیرافی که به تدریج در کیش و عدن، قدرت گرفتند، در رقابت با سیراف پیروز شدند و سیرافیان را از منافع تجارت محروم کردند.^۲ ابن البلخی در باره انحطاط سیراف و توسعه کیش چنین نوشته است :

سیراف در قدیم شهری بزرگ بودست و آبادان و پر نعمت و مشرع بوزیها و کشتیها و بعهد خلفاء گذشته رضوان الله علیهم در وجه خزانه بودی. بسبب آنک عطر و طیب از کافور و عود و سندل و مانند آن دخل آن بودی. و مالی بسیار از آنجا خاستی و تا آخر روزگار دیلم هم برین جملت بود. بعد از آن پدران امیر کیش مستولی شدند و جزیره قیس و دیگر جزایر بدست گرفتند. و آن دخل کی سیراف را می بود بریده گشت و بدست ایشان افتاد. و رکن الدوله خمارتگین قوت رای و تدبیر آن نداشت کی تلافی این حال کند. و با این همه یک دو بار بسیراف رفت تا کشتیهای جنگی سازد و جزیره قیس و دیگر جزایر بگیرد. و هر بار امیر کیش اورا

^۲ استاد یاجیما در باره اسباب انحطاط سیراف به تغییر مسیر تجارت از خلیج فارس (بغداد) به دریای سرخ (قاهره) که استاد برنارد لوئیس (Bernard Lewis) ادعا کرده، و زلزله عظیم و حکومت دیلمیان که المقدسی نوشته است، اشاره کرده است.

cf. Lewis, B., "The Fatimids and the Routes to india," *Revue de la Faculte des Sciences Économiques d'Istanbul* 11, 1949-50. pp.50-54 ; al-Muqaddasi, *Kitab Ahsan al-Taqaşim fî Ma'rifat al-Aqalim*, B.G.A.3, Leiden, 1906 (المقدسی «کتاب احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم»).

تحفه فرستادی و کسان او را رشوتها دادی تا او را باز گردانیدندی. و بعاقبت چنان شد کی یکی بود از جمله خانان نام او ابو القسم و سیراف نیز بدست گرفت. و بهر دو سه سال کی لشکری را آنجا فرستادی و رنجه کشیدندی از وی چیزی نتوانستندی ستدن. و چون حال آنجا برین گونه بود و هیچ بازرگانی بسیراف کشتی نیارست آورد، از بهر ایمنی راه بکرمان یا مهربان یا دورق و بصره اوگندند و بر راه سیراف جز چرم و زرافه و اسبابی کی پارسیانرا بکار آید نیاوردند و ازین سبب خراب شد.^۱

بدین ترتیب، سیراف انحطاط دچار شد و بعضی از بازرگانان سیرافی پایگاه خود را به کیش، هرموز و عدن انتقال دادند و به تجارت بر اقیانوس هند پرداختند.

۲. خاندان سلطنتی کیش (بنی قیصر) و تجارت اقیانوس هند

در دوره امپراتوری مغول، کیش و هوموز در تجارت خلیج فارس نفوذ بیشتری داشتند. در قرن ۷ (قرن ۱۳ م) بنی قیصر خاندان سلطنتی کیش نفی بلد شدند. بر طبق ایشان به هرموز گریختند. بر طبق نوشته پدرو تیشیرا (Pedro Teixeira) ابا نادر ملک کیش به دست اهل جزیره کیش نفی بلد شد.^۲ بنابراین حکومت بر کیش از خاندان قیصر به خاندان سواملی (الطیبی) منتقل شد. در آن زمان، لشکرهای مغول به ایران تجاوز کرد و ایلخانان قدرت را در دست گرفتند. گرچه مغولان به فارس و کرمان لشکرکشی کردند اما خاندان سواملی کیش رابطه دوستانه ای با ایلخانان برقرار کرد و بر این اساس حکومت کیش را در دست خود نگه داشت. دولت ایلخانان در ولایات ایران اراضی را به اراضی دولتی (دلای یا دیوانی) و اراضی خصوصی (اینجو) تقسیم کرد و امرایی به آنجا

^۱ Ibn al-Balkhi, (ed.) G. Le Strange and R. A. Nicholson, *The Farsnama of Ibnu'l-Balkhi*. London, 1921, s.136. (ابن البخی «فارس نامه»)

^۲ Teixeira, Pedro, (tr.) Sinclair, W. F., *Kings of Hormuz*. in *The Travels of Pedro Teixeira*. London: Hakluyt Society, 1902, pp.157-58.

اعزام و حکامی منصوب کرد، مالیاتها را از این طریق وصول می کرد. فارس نیز چنین وضعی داشت. جمال الدین ابراهیم سواملی که از سوی ایلخان به عنوان ملک اسلام ملقب شد، به عنوان حاکم و مقاطعه کار وصول اموال بر و بحر تعیین شد. جمال الدین ابراهیم نه تنها اموال فارس بلکه مالیات مروارید خلیج فارس را نیز به ایلخانی پرداخت^۴. بدین ترتیب، کیش در عوض اینکه چنان مالیات و هدایاها را به ایلخان می داد، از وی پشتیبانی نظامی می گرفت. در آن زمان، هرموز به عنوان رقیب کیش در تجارت اقیانوس هند نفوذ خود را گسترش می داد. به ویژه که در روزگار بهاء الدین ایاز، دولت هرموز به یاری جاشویان که گروه ملوانان و غواصان مسلح در خلیج فارس بودند بسرعت قدرت خود را تقویت کرد و با کیش اختلاف یافت. کیش از اختلاف داخلی خاندان سلطنتی هرموز استفاده برد و مدتی هرموز را زیر نظر خود آورد. اما هنگامی که بهاء الدین ایاز بر تخت هرموز جلوس کرد، به منظور کسب استقلال شورش کرد. به وقتی که جنگ میان کیش و هرموز وقوع یافت، ایلخان بکلی از کیش حمایت کرد. در ۶۹۶ هجری ایلخان یرلیغ (فرمان) داد که لشکری از مغولان و مسلمانان به هرموز عازم شود و ملک هرموز بهاء الدین ایاز را از آنجا طرد کند^۵. چنین رابطه همکاری میان کیش و ایلخان ادامه داشت تا وقتی که در روزگار سلطان اولجایتو عزالدین عبد العزیز ملک کیش به اتهامی در اردوی (درگاه) ایلخان اعدام شد^۶. کیش در روزگار خاندان سلطنتی بنی قیصر اقتدار عباسیان و سلجوقیان را به رسمیت شناخت و در عوض اینکه مالیات تجارت اقیانوس هند را به آنان تقدیم می کرد، از پشتیبانی آنان بهره می گرفت. در مورد ایلخانان هم به همین ترتیب، حکومت ایشان را بر ایران به رسمیت می شناختند و در عوض آن از حمایت نظامی آنان بهره مند می شدند. از سوی دیگر، طبقه حاکمه ایلخانان مغول خود از داشتن دیوانسالاران در امور

^۴ «تاریخ و صاف» ج. ۳، موضع افراد ذکر، ج. ۴، بقیه سلطنت غازان محمود.

^۵ «تاریخ و صاف» ج. ۳، ذکر جزیره هرموز و شرح بعضی وقایع در مدت تاریخ این کتاب.

^۶ ابو القاسم القاشانی «تاریخ اولجایتو» تهران ۱۳۴۸، سال ۷۱۳؛ محمد شبانکاره ای «مجمع الانساب» ملوک هرموز.

مالی و تجاری محروم بودند. بنابراین به روشنفکران ایرانی که در منابع به عنوان تازیک توصیف شده اند، و برخی از آنان از دیوانیان بودند، نیازمند بودند. مخصوصاً برای کسب مالیات ناشی از تجارت، تسلط غیر مستقیم ایلخانان بر حکومت‌های محلی تاجر پیشه حوضه خلیج فارس ضروری بود.

۳. مناسبات سیاسی و تجاری با چین

حادثه نمادینی که رابطه میان کیش و ایلخان را نشان می دهد، اعزام سفر (ایلچیان) از سوی غازان خان به نزد تیمور قآن در چین بود. میان سلسله یوان در چین و ایلخانان در ایران به طور پی در پی سفیرانی رفت و آمدی کردند. مثلاً هنگام جلوس قآن در چین، جلوس ایلخان در ایران، و هنگام ازدواجهای سیاسی میان این دو خاندان، سفیرانی ردوبدل می شدند، نیز سفیرانی گسیل می شدند. به علاوه، برای آن که مالیات سرزمین ایلخانی برای قآن در چین ارسال شود، نیز سفیرانی گسیل می شدند. به عنوان مثال غازان خان در ۶۹۷ هجری نو قای ایلچی و فخر الدین احمد را نزد تیمور قآن در چین فرستاد. در باره این سفیران، در «تاریخ و صاف» نوشته شده است^۷ که نو قای سفیری که از درگاه ایلخان مستقیماً فرستاده شد، ترکی زیرک و فصیح بود. فخر الدین احمد پسر شیخ الاسلام جمال الدین ابراهیم سوامیلی رئیس خانواده سوامیلی (آل الطیبی) ملوک کیش بود. در این وقت، احتمالاً فخر الدین به جای پدرش ابراهیم که به عنوان حاکم تعیین شد و به شیراز رفت، حاکمیت حقیقی کیش را در دست داشت. چون ملوک کیش موقتاً هرموز را اشغال کردند، به نام ملک کیش فخر الدین احمد خطبه خواندند و سکه زدند.^۸ گذشته از این، در بلاد معبر در هندوستان، تقی الدین عبد الرحمان برادر جمال الدین ابراهیم القاب و مناصبی چون مرزبان، وزیر، مشیر و صاحب تدبیر

^۷ «تاریخ و صاف» ج. ۴، ذکر بعضی ملوک عصر.

^۸ «تاریخ و صاف» ج. ۳، ذکر جزیره هرموز و شرح بعضی وقایع در مدت تاریخ این کتاب.

تعیین شد و بنادر و تجار را نظارت کرده بود. بعدها چنین مناصب و القابی را فخر الدین احمد به ارث برد.^۹

نوقای ایلچی مأموریتی سیاسی از سوی درگاه ایلخان داشت، اما مأموریت فخر الدین احمد بطور روشن انجام معاملات تجاری میان درگاه ایلخان و بازارهای چین بود. غازان خان به وقت حرکتشان، از خزانه بزرگ صد هزار دینار به عنوان سرمایه تجارت اختصاص داد. پدرش جمال الدین ابراهیم و خویشاوندش و تجار کیش هم به وی سرمایه های سپردند. به علاوه، در این سفر دریائی چین گروهی از ایرانیان با تعدادی ترکمانان که تیراندازی ماهر بودند، به عنوان محافظان همراه شدند.^{۱۰} به نظر می رسد که ایشان جاشویان و ملوانان مسلح بودند که از تجارت کیش پشتیبانی می کردند.

چون سفرا به چین رسیدند، ایشان با استفاده از شبکه ارتباطی یام به دایدو تختگاه یوان رسیدند و به حضور تیمور قآن شرفیاب شدند. در این وقت، فخر الدین احمد هدایای غازان خان را به تیمور قآن تقدیم کرد و با درگاه یوان معاملاتی تجاری کرد. بعد از اتمام معامله، تیمور قآن به احمد یرلیغ (فرمان)، لباس خاص، اسبان، مستخدمین و اجازه ای داد که بر اساسی آن می توانست هرچه پیشنهاد شود معامله رود. بنابراین می توان قضاوت کرد که مقصود غازان خان خواستار مناسبات تجاری با چین بود.

کالاهای که فخر الدین احمد به چین آورد نه تنها شامل مروارید خلیج فارس بلکه جواهر هندوستان و سیلان نیز بودند. بنابراین می توان دانست که سفیران مذکور بعد از آنکه در مسیر خود به هندوستان رفته و پس از انجام داد و ستد، کالاهای خود را دوباره بارگیری کردند، و به چین عازم شدند. منطقه ملیبار در هند

^۹ «تاریخ و صاف» ج. ۳، صفت ممالک هند بطریق اجمال و ذکر ملوک معبر.

^{۱۰} «تاریخ و صاف» ج. ۴، ذکر بعضی ملوک عصر.

مخصوصاً کولم به عنوان بندر عمده ای برای تجارت میان خلیج فارس و چین از قدیم رونق داشت و بازرگانان و کالاها از سراسر جهان در آنجا جمع می شدند. چنانکه مذکور شد، خاندان سلطنتی آل الطیبی (سواملی) کیش هم در بنادر هند پایگاه های تجاری داشتند و از طریق صادرات کالاهای مانند اسبان سودهای زیادی به دست می آوردند. از سوی دیگر، آنان احتمالاً در چین نیز پایگاه های تجاری را داشتند و نمایندگانی از سوی خود در آنجا داشتند همچنانکه بازرگانان سیرافی و بنی قیصر (ملوک سابق کیش) در آنجا نمایندگانی داشتند. ابن حجر العسقلانی در باره پدر احمد، جمال الدین ابراهیم نوشته است که دخل فی تجاره إلى الصين فتوغل و تمول (او برای تجارت به چین رفت و ثروتمند شد)^{۱۱}. لذا به نظر می رسد که علت عمده شکوفائی کیش در روزگار جمال الدین ابراهیم کیش تجارت با چین بوده است. به همین ترتیب، در «تاریخ وصاف» در باره علت رونق کیش نوشته شده است که به سبب کالاهای که از چین و هند آورده می شدند، کیش رونق بی سابقه یافته بود و نمایندگانی (وکلا، وکیلان) در هند و چین داشتند که از سوی آنان در آنجا تجارت کنند^{۱۲}.

از این زاویه می توان نشان داد که پیش از آنکه فخر الدین احمد به عنوان سفیر به چین برود، کیش پایگاه ای تجاری در چین داشته است. به عبارت دیگر، این بدان معنا است که ایلخانان شبکه ای تجاری در اقیانوس هند از طریق کیش داشتند و با استفاده از آن سفیران را تا چین می فرستادند.

۴. شبکه تجارتی کیش و بازرگانان چینی

از سوی دیگر، بازرگانان چینی تا اقیانوس هند و خلیج فارس رفت و آمد می کردند. در چین جنوبی خاندان یانگ (Yang) که بازرگانان بزرگی بودند اقامت

^{۱۱} ابن حجر العسقلانی «الدرر الكامنة فی اعیان المائنة الثامنة» بیروت، ۱۹۹۸/۱۴۱۸، ج. ۱، ش. ۱۵۹.

^{۱۲} «تاریخ وصاف» ج. ۳، صفت ممالک هند بطریق اجمال و ذکر ملوک معبر.

داشتند. از میان ایشان، یانگ شو (Yang-shu) هنگامی که برای تجارت در یک بندر اقیانوس هند اقامت کرده بود، در آنجا با نوقای و فخر الدین احمد، سفیران غازان خان روبرو شد و مستقیماً ایشان را به دایدو (تختگاه یوآن) در چین راهنمایی کرد. علاوه بر این، هنگام مراجعت سفیران غازان خان، یانگ شو به همراه آنان به ایران آمد و به درگاه ایلخانی رسید. در این زمان دولت یوآن به یانگ شو منصب سفیر رسمی را ارزانی داشت. در عین حال، دولت یوآن برای یانگ شو سرمایه های برای تجارت و یک کشتی تدارک دید. چون یانگ شو خود از خاندانی بازرگان بود، توانست سرمایه و کالای تجارتی به همراه ببرد. وی در مسیر خود به هرموز رفت و در آنجا دادوستد کرد. البته این امور بی ارتباط با شبکه تجارتی کیش در اقیانوس هند که سابقاً سیرافیان بنا کرده بودند، نبود. می توانیم بگوئیم از طریق فعالیت های تجارتی میان خلیج فارس و چین، توسط دولت مغول به هم وصل شدند. مطالب مذکور در بالا در یک منبع چینی «*Jing-hua-huang xian-sheng wen-ji*» («مجموعهء خواجه جینگ هوا هوانگ») یادداشت قبر آقای یانگ امیر هزار کشتیرانی ایالت سونگ جیانگ و ایالت جیا دینگ¹ توصیف شده است.¹ این منبع را زیر ارائه می کنم.

«*Jing-hua-huang xian-sheng wen-ji*» («مجموعهء خواجه جینگ هوا هوانگ»)

"یادداشت قبر آقای یانگ (Yang) امیر هزارهء کشتیرانی در ایالت سونگ جیانگ (Song-jiang) و ایالت جیا دینگ (Jia-ding)"

¹ Huang-jin, *Jin-hua-huang Xian-sheng Wen-ji*. vol.35, "Song-jiang Jia-ding deng chu hai-yun qian-hu Yang-jun mu-zhi-ming," library of *Si-bu cong-kan*. (Chinese classics)

اجداد خاندان یانگ (Yang) ثروتمند و شرافتمند بوده اند. در دوره خاندان سلطنتی سونگ (Song)، از منطقه مین (Min) به منطقه یوئه (Yue) و از آنجا به منطقه او (Wu) نقل مکان کرده بودند و در آخر در گان پو (Gan-pu) اقامت کرده بودند. ایشان نسل به نسل به خاطر استعداد و شجاعت صاحب مناصب شده بودند. در دوره یوان (Yuan)، مأمورین علی رتبه شده بودند و یک از قدرتمندترین خاندان ها شده بودند. ...

در سال پنجم "داده" (Dade) (مطابق ۷۰۱ هجری)، یانگ شو (Yang Shu) که در آن وقت نوزده ساله بود، با کشتی و سرمایه ای که زی یونگ یوان (zhi-yong-yuan: دیوان تجارتی و اراتاقی) تدارک دیده بود، سفری در دریا کرد و به اقیانوس هند رسید. در آنجا با نوقای و غیره سفیران غازان خان که به تختگاه یوان رو نهاده بودند، ملاقات کرده بود. بنابراین او به همراهی سفیران غازان به چین مراجعت کرد. نوقای و دیگران بعد از شرفیابی و تقدیم هدایا، خواستند که یانگ شو با ایشان همراهی کند و آنان را رساند. به این جهت، ارغسون ترخان چنگسانگ بر اساس چنان درخواست که به قآن عرض شده بود، یانگ شو را به عنوان صاحب پادگان و معاون امیر هزاره کشتیرانی تعیین کرد و او را پایزه زر داده، و فرمان داد تا یانگ شو با سفرای غازان همراهی کند. در سال هشتم "داده" (Dade) (مطابق ۷۰۴ هجری)، ایشان از تختگاه یوان عزیمت کردند و در سال دهم "داده" (Dade) (مطابق ۷۰۶ هجری)، به ایران رسیدند. و پا به خشکی ای به نام هرموز نهادند. ...

یانگ شو به مدت پنج سال در میان بادهای شدید و امواج عظیم دریا رفت و آمد می کرد. کشتی و سرمایه برای تجارت را خود تدارک دیده و به مأمورین زحمت نمی داد. او از سرمایه خود محصولات محلی مانند اسب های سفید، سگ های سیاه، کهربا، شراب و نمک خرید و با خود به چین برد و به درگاه یوان تقدیم کرد.

چنای فنجان (وزیر) و دیگران او را به اردو بردند و بعد از شرفیابی به وی هدایایی عطا کردند. اما یانگ شو هوای مدتی بعد مسموم و بیمار شد.

خاندان یانگ تجار بزرگی بودند که نسل به نسل در دولت یوان مناصب داشتند. ایشان معمولاً مناصب مهم مربوط به کشتیرانی و تجارت دریایی در دولت یوان را عهده دار بودند. به عبارت دیگر، دولت یوان برای کسب سود تجارت در اقیانوس هند، رابطه نزدیکی را با خاندان یانگ لازم داشت. از این زاویه، می توان نشان داد که رابطه همکاری میان خاندان یانگ و دولت یوان مشابه با رابطه همکاری میان خاندان سواملی کیش و ایلخانان بود.

۵. کیش و دولت ایلخانان مغول

مناسبات میان دولت ایلخانان مغول و بازرگانان، شامل دو مراحل است. مرحله اول آن بود که تجار مخصوصی طبقه حاکمه (ارتاقان) از سوی دولت ایلخانان مغول سرمایه و امتیاز دریافت می کردند و اداره سرمایه تجاری را بر عهده داشتند.^{۱۳} مرحله دیگر آن بود که دولت ایلخانان مغول نه تنها بازرگانانی که عنوان ارتاقان را داشتند را با دادن مناصب به درون ساختار دیوانی کشید، بلکه چنانکه خاندان های بزرگ تاجر پیشه را حمایت کرد و در عین حال بر آنان نظارت می کرد چنانکه جمال الدین ابراهیم ملک کیش و فخر الدین احمد یا یانگ شو و خاندانش، در آغاز به عنوان ارتاق سرمایه های می گرفتند و تجارتی کردند. از سوی دیگر، ایشان نقش ملک التجار را ایفا می کردند. در باره آنکه خاندان سواملی کیش دارای روابطی با ارتاقان بود، در منابع مطالبی به چشم می خورد.^{۱۴}

^{۱۳} ارتاق بدان معنا نهادی که طبقه حاکمه مغولان به بازرگانان سرمایه و امتیاز داد و گذاشتند ایشان را سرمایه جاری بکنند یا بازرگانان صلاحیتدار آن است. در زبان ترکی به معنای شریک است. آن اصل رابطه همراهی میان بازرگانان و چادر نشینان از قدیم است.

^{۱۴} ناصر الدین منشی کرمانی «سمط العلی للحضرة العلیا» طهران، ۱۳۲۸. باب مظفر الدینا و الدین ابو الحارث شاه سلطان حجاج.



بخصوص شرحی که رشید الدین فضل الله نوشته است "چند سال باز ملکی شیراز ارتاقان و بازرگانان می کنند"، آشکارا نمایانگر آن بود که جمال الدین ابراهیم به عنوان حاکم شیراز حکومت می کرده است.^{۱۵} بدین ترتیب، ملوک کیش از طریق ارسال نمایندگانی تجاری از سوی خود به مراکز تجاری بین المللی و همچنین از طریق نفوذ در دیوانسالاری ایلخانان، تجاری چون ایشان در زیر حمایت دولت مغول می توانستند بطور فعال تجارتشان را گسترش دهند. در مقابل، دولت ایلخانان مغول از میان خاندانهای تاجران پرنفوذ کسانی را به عنوان مأمورین امور مالی گماشت و در امور نظامی و اداری ایشانرا پشتیبانی می کرد و از طرف دیگر از ایشان مالیات تجارت می گرفت.

بر این اساس، ملوک کیش با حمایت نظامی لشکر ایلخانی هرموز را که گامی شورش می کرد حفظ می کرد، سر بلند کرد و سلطه خود بر تجارت اقیانوس هند را نگاه می داشت. لیکن به محض اینکه یک بار رابطه همکاری میان خاندان سواملی کیش و ایلخانان شکسته شد، کیش قدرت و نفوذ خود را در تجارت اقیانوس هند از دست داد و هرموز بجای کیش از امتیاز تجارت انحصاری در خلیج فارس را بدست آورد. در سال ۷۳۲ هجری به سبب حمله ملوک هرموز، کیش همه پایگاه های تجارتی مانند بحرین و قطیف و غیره را از دست داد و حکومت خاندان سواملی در کیش به پایان رسید.^۱ به علاوه در نتیجه حملات مکرر ملوک هرموز، امتیاز تجاری که کیش داشت بکلی به ملوک هرموز سپرده شد.^۲ بنابراین کیش که بعد از انحطاط سیراف شبکه ای تجاری در اقیانوس هند برقرار بود، از صحنه تاریخ محو شد.

YOKKAICHI Yasuhiro (Kyushu University, Japan)

^{۱۵} رشید الدین فضلالله همدانی «جامع التواریخ» تهران، ۱۳۷۳. ج ۲، داستان قویلی قان، تاریخ ملوک و اتابکان در فارس.

^۱ Teixeira, Pedro, *Kings of Hormuz*. in *The Travels of Pedro Teixeira*., p.173.

^۲ Teixeira, Pedro, *Kings of Hormuz*. in *The Travels of Pedro Teixeira*., p.257.